

نقش خاطرات ایرانی در ترسیم تاریخ فرهنگی جنگ ایران و عراق/دفاع مقدس

محبوبه شمشیرگرها *

پذیرش نهایی: ۹۵/۱۲/۱۵

دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۰۱

چکیده

تاریخ فرهنگی به عنوان دانشی میان رشته‌ای در توصیف و تحلیل رویدادهای تاریخی، بر منابع مختلفی از جمله خاطرات توجه دارد. این مقاله با ارائه شواهدی در حد مجال بر لزوم توجه به خاطرات جنگ به منزله گنجینه‌ای ارزشمند در جهت فهم مسائل عمده‌تأ ناظر به جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی آن تأکید می‌ورزد و به این نکته دست می‌یابد که برای فهم جامع مناسبات این پدیده بویژه در حوزه فرهنگی و انسان‌شناختی، چاره‌ای جز روی آوردن به خاطره‌نویس‌ها و خوانش گزاره‌های مبتنی بر منش و بیش انسانهای جنگ نیست. این نوشتار به روش توصیف و تحلیل محتوا و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای فراهم شده است. **کلیدواژه‌ها:** تاریخ فرهنگی جنگ، جنگ ایران و عراق، خاطرات جنگ، ادبیات جنگ، دفاع مقدس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

«تاریخ فرهنگی» یکی از گفتمانها و شاخه‌های پر رونقی است که هرچند از ده‌ها سال پیش در آلمان، انگلیس، فرانسه و برخی کشورهای دیگر به آن توجه می‌شده است، گسترش آن به دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد. تا پیش از آن در تاریخ‌نگاری تنها به مقولات نظامی، سیاسی و تا حدودی اجتماعی توجه می‌شد؛ از این هنگام تاریخ فرهنگی در واکنش به رویکردهای سنتی شکل گرفت و زنان، کودکان، مهاجران، اقلیتها و الگوهای رفتاری عامه مردم را در اولویت توجه خود قرار داد؛ چراکه از این دیدگاه، شناخت دیدگاه‌ها و رفتارهای انسانهای گذشته، هرگز به تلاشها و تجربه‌های کنجکاوانه و مدون مورخان و پژوهشگران محدود نمی‌شود بلکه آنان همواره در چارچوب جامعه، فرهنگ، میزان پیشرفت فناوری و ابزارهای معرفتی‌ای که در اختیار دارند، نوعی بینش به گذشته را از طریق هنر، ادبیات، دین، فلسفه و غیره به وجود آورده‌اند؛ به عبارت دیگر، تاریخ فرهنگی، دانشی میان رشته‌ای است که از علوم مربوط به حوزه فرهنگی بویژه انسانشناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و امثال آن استفاده می‌کند. این رویکرد تاریخی به سیر شکل‌گیری، تحول و دگرگونی فرهنگ و به تعبیر دیگر نوعی شناخت توصیفی - روایی از فرهنگ ناظر است.^(۱)

از آنجا که خاطرات انسانها به منزله پدیده‌ای حاصل از تعامل فردیتها و فرهنگها به بازنمایی رخدادهای گذشته در ظرف ذهن و حافظه و در درون مجموعه‌ای از ارزشها، باورها و نگرشها شکل می‌گیرد، توجه به آنها می‌تواند از حیث شناخت تاریخ فرهنگی جوامع و رویدادهای سپری شده، سودمند واقع شود. این نوشتار به توصیف چرایی و چگونگی این اهمیت با تأکید بر نقش خاطره نوشته‌های جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس در تبیین تاریخ فرهنگی این رویداد بزرگ می‌پردازد.

در این راستا، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است.

۱ - چگونه می‌توان از انواع مختلف خاطره‌نگاشته‌ها در تکمیل و تقویت تاریخ‌نگاری بهره‌مند

شد؟

۲ - چگونه می‌توان با توجه به اهمیت رویکرد فرهنگی در تبیین رخدادهای تاریخی از خاطرات جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس در جهت فهم تاریخ فرهنگی این رویداد بهره برد؛ به تعبیر دیگر چرا و چگونه خاطرات جنگ تحمیلی در شناخت تاریخ فرهنگی آن اهمیت دارد؟

۳ - آیا همه خاطراتی که به گونه‌ای به روایت رخداد‌های جنگ ایران و عراق می‌پردازد از حیث تبیین تاریخ فرهنگی آن ارزش یکسانی دارد؟

۱ - نقش خاطرات در تدوین، تبیین و تحلیل تاریخ فرهنگی

اگر خاطره‌ها را، چه در مقام بیان و چه نگارش، عبارت بدانیم از یادآوری حالات و حوادث و ماجراهای گذشته که در زمان و مکان معلوم به وقوع می‌پیوندد و به دلیل مشاهده و شنیدن یا حضور از کیفیت آنها اطلاع به دست می‌آید (یاد مانا: ۱۳۸۸، ۱۹) در واقع پذیرفته‌ایم که خاطره‌ها در واقع برگی از صفحات تاریخ هستند. خاطره نگاری بویژه از آن هنگام که تاریخ اجتماعی تحت تأثیر مکاتبی از تاریخ نگاری نوین نظیر «آنال»^(۲) راه خود را یافت و تاریخ لایه‌های پایین جامعه را موضوع خود قرار داد به جنبش بازسازی تجربه زندگی روزمره مردم عادی در صنعت، تجارت، جنگ و غیره کمک رساند؛ به عبارت دیگر پس از ظهور رویکردهای تاریخ‌نگرایانه نوین از نیمه دوم قرن نوزدهم تحت تأثیر مطالعات جامعه‌شناسی و فرهنگ، و مورد تردید قرار گرفتن عینیت تاریخ، فارغ از درک و تجربه افراد مختلف جامعه، خاطرات انسانها به منزله راه فهم بخشی از واقعیت‌های تاریخی مورد توجه قرار گرفت.^(۳)

خاطرات در همه انواع و شکل‌های خود اعم از یادداشتها و گزارشهای روزانه، سفرنامه‌ها، زندگینامه‌ها و... توسط همه مردم و نه قشری خاص نوشته می‌شود. از این رو کلیت این متون در جهت حفظ و نگهداری جنبه خاصی از زندگی قرار نمی‌گیرد؛ بلکه به جامعه در همه شئون زندگی اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه دارد. بنابراین این نوشته‌ها، شامل اطلاعاتی سرشار از فرهنگ عامه است که هر یک می‌تواند از منابع مهم رویکرد تاریخی عامه^۱ یا روایتگری تاریخ بین عامه مردم - که در فولکور یا فرهنگ عامه شکل می‌گیرد - در برابر رویکرد تاریخ‌نگاری حرفه‌ای^۲ - که توسط مورخان حرفه‌ای انجام می‌شود - به شمار آید.^(۴)

از سوی دیگر فرهنگ به مثابه کلیت آن قدر وسیع و پیچیده و گاه حتی انتزاعی است که ناگزیر باید از راههایی در دسترس بشر قرار گیرد. خاطره یکی از راه‌های میانبری است که به کمک آن می‌توان به کلیت فرهنگ دسترسی پیدا کرد. صرف نظر از نقش خاطرات در تدوین و

1 - Popular history

2 - Professional historiography

تبیین تاریخ فرهنگی هر قوم و ملت از نظر اشتغال بر وجه «حادثه»، توجه به آن برای شناخت فرایندهای ذهنی مرتبط با آن می‌تواند اهمیت این مقوله را در تحلیل و تفسیر حوادث روشن کند. از آنجا که بازخوانی و تحلیل هر حادثه‌ای به گذشت زمان نیاز دارد، خاطره یا خاطره‌سازی می‌تواند نوعی راهبرد برای فاصله‌گیری از وقایع تلقی شود؛ چرا که با گذشت زمان و در بستر تأمل، برداشت از واقعیت‌ها حتی به صورتهایی متفاوت از ذهنیت افراد برمی‌خیزد و از همین جا ارتباط فرهنگ فردی و جمعی با خاطره به منزله بخشی از روایات تاریخی شناخته می‌شود. نگاهی نقادانه به علت‌های وقوع حوادث، پیامدها و تفسیر آنها از جایگاه خاطره به عنوان بخشی از فرهنگ و فرهنگ به عنوان بخشی از خاطره خبر می‌دهد؛ به همین دلیل تبدیل حادثه‌ها به خاطره‌ها به مدد دو عنصر فاصله و حافظه، و البته با وساطت پنهان و آشکار فرهنگ، موجب می‌شود با هر بار مرور خاطره‌ها، بخشی از تاریخ فرهنگی، بازخوانی و دوباره تفسیر شود. در این صورت صرف نظر از چند و چون رخداد، فرایندی اهمیت می‌یابد که طی آن، واقعه‌ای مادی و محدود به زمان به امری کاملاً معنادار و تجربه‌ای نامحدود و انسانی تبدیل شود (فاضلی، ۱۳۹۲: ۱۱)؛ از این رو اهمیت خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی به منزله روش شناخت انسان و اجتماع در ابعاد مختلف و از آن جمله مقوله فرهنگ، چنان است که به نظر می‌رسد برای شناخت انسان، جامعه، هویت و تاریخ افراد جامعه، گریزی از درک و واکاوی مفهومی به نام خاطره نیست.

۲ - اهمیت خاطرات در شناخت تاریخ فرهنگی جنگها

تأملی در تعبیر تاریخ فرهنگی جنگ از وساطت فرهنگ در ارتباط بین تاریخ و جنگ حکایت می‌کند. این اصطلاح به فرهنگی هستی یافته از قبل در میان یا حتی پس از جنگ اشاره دارد که وجود مجموعه‌ای از باورها، عملکردها، نگرشها، روشها و دستاوردهای مربوط به آن را نشان می‌دهد. مطالعه جنگ با رویکرد تاریخ فرهنگی موجب خواهد شد از دانش آرشیوی و غیر آرشیوی جنگ - به‌رغم اعتنا به تاریخ نظامی و سیاسی - برای دستیابی به نظام معنایی جدید و گزاره‌های نوینی در ثبت و تحلیل رویدادها استفاده شود.^(۵)

توجه به جنگ از دید خاطرات، پی‌جویی چیستی و چگونگی و نیز مطالعه تأثیرات انسانی رخدادهای آن در بستر تاریخ است. توجه به تأثیر و تأثرات انسانی در هر مقوله تاریخی، قبل از هر

چیز از اتخاذ رویکرد اجتماعی و فرهنگی در بررسی مورد نظر خبر می‌دهد. لزوم این نوع نگاه درباره جنگ از چند دیدگاه قابل توجه است:

اولاً: گستره وسیع فرهنگ موجب می‌شود حد و مرز هیچ یک از پدیده‌ها، مقولات و حوزه‌های گوناگون علوم و اشتغالات مختلف در خارج از آن تعریف نشود. اساساً همه جنگها در بستری از فرهنگهای انسانی و اجتماعی رخ می‌دهد و افرادی از جوامع انسانی متعلق به فرهنگ و خرده فرهنگهای مختلف در آن شرکت می‌کنند. در این راستا نمی‌توان از چگونگی تأثیر مقولات فرهنگی جوامع انسانی بر وقوع و ادامه جنگ از طرفی، و تأثیر و تأثرات فرهنگی متقابل انسانها در ارتباط با جنگ و پس از آن، چشم پوشید. اهمیت این مقوله در جنگهایی بیشتر است که بویژه ماهیت فرهنگی و اجتماعی آن از وجوه مختلف از جمله منشأ، رخدادهای، حواشی و پیامدها بر ماهیت نظامی و سیاسی آنها غلبه دارد.

ثانیاً: وجه دیگر لزوم بهره‌مندی از رویکرد تاریخ فرهنگی در شناخت واقعیات جنگ، چگونگی بازآفرینی و بازگفت رخدادهای آن از سوی انسانهایی است که به مقتضای وجود بشری در زمان نمانده، و همپای گذشت روزگار به تأملات و تحلیلهایی جدید دست یافته‌اند. هرچند ممکن است گاه از این طریق، کم و کیف رویدادهای نظامی بدرستی دستیاب نشود در فهم ابعاد گوناگون و کلیت جنگ، بررسی جایگاه حوادث به منزله «فرایندهایی» لازم به نظر می‌رسد که تحت تاثیر اذهان و فرهنگ انسانها نو به نو تغییر می‌یابد. همین یادآوری و بازنگرش متأخر به حوادث گذشته و چگونگی و میزان تغییر و تحولات آنها در همه سطوح انسانی مرتبط با جنگ، اعم از فرماندهان، رزمندگان، خانواده‌های آنان و حتی کسانی که از فاصله‌ای دور یا نزدیک، تنها ناظر این رخدادهای بوده‌اند، حاوی ارزش معنایی قابل توجهی در حوزه تاریخ فرهنگی است که توانسته است دستمایه تحلیلهای پژوهشگران علوم اجتماعی و مطالعات جنگ در دنیا قرار گیرد.^(۶)

ثالثاً: وجه دیگر اهمیت این رویکرد به آینده جوامع درگیر جنگ نظر دارد. توجه به این رویکرد، امکانی فراهم می‌سازد تا از جنگها به منزله فرصتی در رشد و پیدایی رویکردهای جدید فرهنگی در مسائل کشورها اعم از جنگ و غیر آن، و گفتمانی شدن فرهنگ جنگ در بررسیهای تاریخی بهره‌گیری شود.

۳ - خاطره‌نگاشته‌ها و شناخت تاریخ فرهنگی جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس

خاطره‌نگاری ایرانیان به شکل نوین از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز،^(۷) و به این ترتیب حافظه تاریخی^۱ یکی از موضوعات مهم گفتمانهای سیاسی و فرهنگی ایران شد.^(۸) با تحول این گفتمان به سوی حافظه و خاطره مردمی و عمومی^۲، که همزمان با پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی شکل گرفت در طول ده‌ها سال گذشته، تنها رجال درباری، سیاسی و نظامی و معدودی از بزرگان فرهنگی به خاطره‌نویسی توجه کرده‌اند؛ اما در این هنگام و ویژه پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق و ایران، فرصتی فراهم آمد تا طیفی وسیع و گوناگون از جنگ‌دیدها به ثبت «یادمانده‌های خود از این رویداد بزرگ تاریخی (در معنای اعم آن شامل خاطرات، یادداشتهای روزانه، گزارشهای شخصی، حسب حال و...)» بپردازند. حجم انبوهی از گزاره‌های روایی یادمدار جنگ، می‌تواند دستمایه تحقیق درباره تاریخ فرهنگی جنگ/دفاع مقدس به شمار آید؛ چنانکه ترسیم وجهه تاریخ رسمی^(۹) و تدوین بخش اعظم تاریخ نظامی و سیاسی آن نیز به مدد بهره‌گیری از این گزاره‌ها صورت می‌پذیرد.

ماهیت کیفی تاریخ فرهنگی به طور کلی و ویژگیهای فرهنگی جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس به طور خاص، توفیق در تحلیل فرهنگی این نبرد را در گروی توان و دقتی فراوان ممکن می‌سازد.^(۱۰) ویژگیهای منحصر به فرد این جنگ در مقایسه با سایر نبردها، اهمیت و ضرورت شناخت این پدیده را با رویکرد تاریخ فرهنگی برجسته‌تر می‌کند که شاید بتوان به این دلیل بر موارد ذیل، بیش از همه تأکید کرد:

اولاً: جانمایه دفاع ایرانیان در مقابل هجوم نیروهای حزب بعث عراق، علاوه بر درآمیختگی با هویت‌یابی ملی از پشتوانه اندیشه و باورهای عمیق دینی برخوردار بود. چنین روحیه‌ای در میان ایرانیان از آرمانها و تعلقات گسترده مذهبی‌ای بر می‌خاست که پیش از این در منظومه ارزشهای انقلاب اسلامی، تعریف شده بود.

ثانیاً: از آنجا که حضور در جبهه‌های جنگ ایران تنها از سوی نظامیان و قشر خاصی رقم نمی‌خورد، بلکه غالب انسان‌های جنگ اعم از رزمندگان و فرماندهان از میان عامه مردم و برخاسته از فرهنگهای متفاوت بوده‌اند، توجه به رویکرد تاریخی ناظر بر جامعه‌شناسی و انسانشناسی عمومی

1 - Historical memory

2 - Public memory

جنگ با رسالت معنایابی آن به منزله بخش مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی و نیز بهره‌گیری از تجربیات فرهنگی آن برای آیندگان ضرورتی غیرقابل انکار است.

۱ - ۳ - گفتمانهای غالب در خاطره‌نگاری جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس

پس از بیان چرایی اهمیت خاطره نوشته‌های جنگ این پرسش مطرح می‌شود که آیا همه خاطرات رزمندگان، خانواده‌های آنان یا هر یک از دیگر اعضای جامعه ایرانی که به گونه‌ای شاهد رویدادهای جنگ و پیامدهای آن بوده‌اند در بررسی با رویکرد مطالعات تاریخ فرهنگی در یک سطح از اهمیت قرار دارد.

در پاسخ لازم است از دو جریان در سنت خاطره‌نگاری که تاکنون برای ثبت تاریخ رویدادهای جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس شکل گرفته است سخن گفت. به طور کلی می‌توان سنت خاطره‌نگاری جنگ را از این حیث به استناد روایات، مشاهدات و مسموعات از سالهای ابتدایی آن تاکنون در دو جریان نظامی محور و فرهنگ محور جستجو کرد. صرف نظر از روایات مکتوب و شفاهی‌ای که به صورت پراکنده از آغاز اولین درگیریهای نظامی نیروهای انقلابی و مردمی با احزاب و گروه‌های معارض و بویژه ارتش بعث عراق به بیان آمده است در یک حرکت هدفمند و هماهنگ، اولین اقدام تاریخ‌نگارانه برای گردآوری، ثبت و انتقال رخدادها جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۰ و به همت بخش تاریخ جنگ دفتر سیاسی سپاه آغاز شد و از سال ۱۳۶۳ با تأسیس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران به صورتی منسجم‌تر ادامه یافت. از سوی دیگر ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز که توجه به واقعیت‌های مشهود و عینی سیاسی و نظامی جنگ را مد نظر قرار داده بود به قصد کسب تجربه و به دست آوردن مختصات از رزم در پیش‌اندیشی مقابله با رخدادهای احتمالی مشابه آینده به گردآوری اطلاعاتی از طریق روایان جنگ بویژه از فرماندهان و مسئولان نظامی و سیاسی اقدام می‌کرد.

به موازات این تلاشها، برخی افراد و نهادهای فرهنگی و به طور خاص سازمان تبلیغات اسلامی، که در روزهای پایانی جنگ به تأسیس دفتری جدا برای سامان بخشی به حرکت ادبی و هنری مقاومت اقدام کرده بود^(۱۱) با تأکید بر بُعد فرهنگی و لزوم توجه به مقولات انسان‌شناسانه جنگ بر آن شدند تا فضای روایتگری دفاع مقدس را در میان طیف گوناگونی از مردم بگسترانند. برخلاف این گفتمان در این وجه از حرکت، تکیه بر جمع‌آوری همه جنگ‌دیده‌ها اعم از کسانی که خود در میدان رزم بوده و مستقیماً با رویدادهای آن روبه‌رو بوده‌اند - صرف نظر از منزلت و رده نظامی -

و کسانی که در خانه‌ها و شهرها و روستاها به گونه‌ای با این حادثه گره خورده یا می‌خورند، قرار گرفت و حتی صرف نظر از گستره و طیف گوناگون اشخاص و رده‌های راویان، وسعت دایره زمانی و مکانی آنان نیز بویژه از حیث شناخت تأثیر و تأثرات جنگ مورد توجه قرار گرفت. این جریان، که بسته به نوع حضور در جنگ و روایات راوی به دنیای شرح حال نویسی و حدیث نفس گویی، بسیار نزدیکتر است تا به مقولات نظامی، بخش عمده‌ای از خاطره‌نویس‌های منتشر شده را تشکیل داده است.^(۱۲) اکنون نیز پس از گذشت سالها از پایان نبرد، همچنان دو گفتمان نظامی‌محور و فرهنگی‌محور در مقوله خاطره‌نویسی جنگ، هر چند با تفاوت‌هایی از حیث موضوع، روش، نوع گفتار و نوشتار و غیره به پیش می‌رود.

صرف نظر از لزوم بررسی سیر تاریخی و شناخت ویژگیها و نقاط قوت و ضعف هر یک در دوره‌های مختلف و حوزه‌های موضوعی در مقایسه با دیگری، گفتنی است جریان خاطره‌نویسی فرهنگ‌محور، که عمدتاً به رزمندگان و نظامیان غیر حرفه‌ای و حتی افراد دیگر جامعه تعلق دارد در تبیین تاریخ فرهنگی جنگ نقش پررنگتری دارد. در کنار این، گزاره‌های ناظر بر انسانشناسی جنگ در آثاری که اخیراً و با برخورداری از فرصت تانی جزئی‌پردازی و مفصل‌گویی فراهم آمده است، بیشتر به چشم می‌خورد.

۲-۳ - خاطره‌نگاشته‌های جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس

اهتمام به بهره‌گیری از خاطره‌نگاشته‌ها در جهت شناخت فرهنگ جنگ ایران و عراق / دفاع مقدس از چند جهت درخور توجه به نظر می‌رسد:

الف - الگوی معمول تاریخ‌نگاری رسمی جنگ / دفاع مقدس که محصول توجه به شکل سنتی آن در قالب نظامی و سیاسی است، تغییر خواهد کرد به گونه‌ای که در کنار آن، شاخه دیگری موسوم به تاریخ‌نگاری فرهنگی جنگ / دفاع مقدس، هویت خواهد یافت.

ب - صرف نظر از محتوای موجود ناظر بر وجه نظامی در آرشیوهای روایی، نقش انسانهای جنگ (شهیدان، رزمندگان و...) و نیز افرادی که به نوعی با آن در ارتباط بوده‌اند (اعضای خانواده و...) در تولید گزاره‌های تاریخی و معانی فرهنگی و کارایی آنها در تبیین نظام معنایی جنگ باز شناخته می‌شود.

ج - وجود طیف گسترده‌ای از مردان و زنان و حتی کودکان در میان خاطره‌نویسان جنگ و تعلق آنها به مناطق جغرافیایی، خرده‌فرهنگها، طبقات اجتماعی و گروه‌های سنی، جنسیتی و

تحصیلی مختلف، که هر یک در جایگاه و از دیدی متفاوت به روایت مشاهدات و مکاشفات خود پرداخته، و از این طریق حافظه جمعی جنگ را به کتابت درآورده‌اند از سویی، و ضرورت تحلیل محتوای پیدا و پنهان این روایت‌های تاریخی به منزله مهم‌ترین بایسته این رویکرد از طرف دیگر، کشف لایه‌های زیرین و عمیق فرهنگ جنگ را به مدد بهره‌گیری از علوم دیگری نظیر جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و زبان‌شناسی ممکن می‌سازد و معرفت تازه‌ای از مقولات آن به دست می‌دهد.

د - هر چند در پیش گرفتن رویکرد تاریخ فرهنگی در بررسی و تحلیل خاطرات، این امکان را فراهم می‌سازد تا از درون نظام معنایی به دست آمده از جمله درباره شیوه، آیین، چرایی و چگونگی آغاز و تداوم و پیامدهای جنگ اطلاعاتی گسترده به دست آید، نوع یادداشتهای مورد بررسی و نسبت متن با راوی و نیز جایگاه او در روشن ساختن گستره و عمق بُعد خاصی از آن جنبه‌ها مؤثر خواهد بود؛ به عنوان مثال نمی‌توان جایگاه گزارشها و خاطرات نیمه شخصی برخی فرماندهان و یادداشتهای شخصی رزمندگان عادی را در تبیین روشها و شیوه یا تمایلات و عواطف انسانهای جنگ یکسان دانست.

۳-۳- نقش خاطرات در شناخت فرهنگ انسانهای جنگ

فارغ از ضرورتها و دستاوردهای عنایت به مقوله تاریخ فرهنگی و خاطرات با توجه به ماهیت خاطره انتظار می‌رود خاطره‌نگاشته‌ها بیش از هر بُعد دیگر در تبیین فرهنگ و تصویر بینش، منش و کنش انسانهای جنگ و افرادی نقش آفرینی کند که به نوعی با آنها در ارتباطند. نگاهی به تعدادی اندک از هزاران کتاب و تک‌نگاشت موجود، لزوم توجه به چند نکته را در این زمینه به منزله دستمایه بررسیهای تاریخ فرهنگی روشن می‌سازد:

الف - اول اینکه غالب کسانی که به بیان و نوشتن چنین آثاری اقدام کرده‌اند با هدف مشخص و انگیزه آگاهی‌بخشی به دیگران اعم از معاصران و آیندگان اعم از آشنایان به این فرهنگ و دیگران، همت خود را در روایت رخدادهای دیده و شنیده قرار داده‌اند و حتی در مواردی بدون اشاره صریح در واقع بستر روشنگری تاریخ فرهنگی جنگ تحمیلی و بویژه مسیر شناخت و تحلیل انسانشناسی آن را فراهم ساخته‌اند. جملات زیر از هوشیاری راویان خاطرات در این زمینه خبر می‌دهد:

- در آخرین روزهای جنگ در دو کوهه، اسلحه‌ام را به تسلیحات تحویل دادم. می‌رفتم تا از

تدارکات یک قلم بگیرم و با آن از ارزشهای به دست آمده از جهاد دفاع کنم. (زنده باد کمیل/۱۰).

- من هم هر روز با تمام سختی‌هایی که داشت، خاطرات و اتفاقات جالب را ثبت می‌کردم. این تاریخ‌ها و کدها را روی زرورق سیگار، کاغذ سیمان یا حاشیه روزنامه‌های عراقی می‌نوشتم و در لوله عصایم جاسازی می‌کردم (پایی که جاماند/۱۵).

ب - با توجه به اینکه گزاره‌های صرفاً نظامی و سیاسی مورخان دفاع مقدس غالباً به پیش و منش انسانها ناظر نیست به نظر می‌رسد در جهت دستیابی به نظام معنایی این پدیده بویژه در ارتباط با انسانهای آن، گریزی از روی آوردن به خاطره‌نوشته‌ها در کنار دیگر مدارک تاریخی نیست. در ذیل تنها برای نمونه، برخی گزاره‌های انسان‌شناسانه خاطره‌نگاشته‌ها ذکر می‌شود تا از اهمیت و جای خالی مفاهیم آنها در میان متون تاریخی صرفاً ناظر به ابعاد نظامی و سیاسی جنگ، یاد شود:

یکم) انگیزه

- خدمتگزاری

من به این گذشته افتخار می‌کنم؛ چون برای سرزمینم بود؛ برای اسلام بود؛ برای خدا بود و خلق خدا که می‌دانم خدا این خلق را هم خیلی دوست دارد. شما به مردم بگویید برایشان بنویسد که حاجی بخشی چیزی جز خدمت در نظر نداشت (حاجی بخشی/۱۸۶).

- عشق به جنگ

جنگ ما جنگ عقیده بود و ما همه چیزش را دوست داشتیم. گریه‌هایش هم شیرین بود. شکستش هم غرور می‌آفرید. نیش و نوشش را با هم قبول کردیم. کاروان خانواده ما از کوره راه پرحادثه این جنگ عبور کرد و قربانی داد؛ ولی افتخار و غرورش ماند برای بچه‌های خانواده و نسل‌هایی که در راهند (گوهر: ۲۳۵).

- غیرتمندی

«حالا که شهر را آزاد کردید چکار می‌کنید؟» «در جبهه می‌مانیم. مانند بسیاری از بچه‌های دیگر. وقتی جنگ ادامه داشته باشد بی‌غیرتی است که به دنبال کار و زندگی خودمان برویم» (بهرروز/۸۲).

- عشق به شهادت

شاپور و شاکر از بچه‌های خرمشهر مرا در آغوش کشیدند. شانه‌هایشان از حق هق می‌لرزید...

پرسیدند: کجا می‌ری؟ گفتم: جایی ندارم برم. هر جا برید باهاتون هستم. آنها گفتند: ما جایی نمی‌ریم. این خانه خونمونه، همین جا می‌مونیم و می‌جنگیم تا شهید شیم (جای امن گلوله‌ها/ ۸۷).

دوم) باورهای دینی

- تأسی به بزرگان دین و امامان

یکی از بچه‌های گردان را دیدم که پلاکش را درآورد و یواشکی انداخت داخل آب. فکرم به همه جا رفت. نکند می‌خواهد یواشکی به غواص‌ها گرا بدهد. آمدم میچش را گرفتم. گفتم: «چرا این کار را کردی؟» گفت: «حاجی بین خودمان بماند. من سید هستم. می‌خواهم مثل مادرم فاطمه زهرا بی‌نام و نشان شهید شوم» (حاجی بخشی/ ۱۲۴).

- اعتقاد به امدادهای غیبی

توی جبهه آدم، امداد غیبی را با چشم خودش می‌دید؛ لمس می‌کرد. خدا را حس می‌کردی (حاجی بخشی/ ۱۶۰).

- شوخ‌طبعی

هر وقت رسیدی تهران با پای چپ وارد شو (جنگ دوست داشتی/ ۲۰۸).

سوم) توجه به روابط خانوادگی

- بعد از آن جلسه معارفه دیگر معطل نکردم... یادم است گوشی تلفن را مادرم برداشت. وقتی موضوع را به ایشان گفتم با صدای بلند خندید و گفت: پسر جان تو داری توی جبهه می‌جنگی یا رفتی دنبال زن گرفتن؟ گفتم: مادر جان هم دارم می‌جنگم هم دارم زن می‌گیرم (کالک‌های خاکی/ ۲۶۸).

- بهروز و عمه‌اش در قطارند که بروند مشهد. عمه دوباره دست به دعا برمی‌دارد. هر چه خیر و خوبی است از خدا طلب می‌کند و پای بهروز می‌ریزد (بهروز/ ۱۷).

چهارم) فرهنگ اسیران

- صبوری

تشنگی و تنگی نفس عذابم می‌داد. واقعاً کم آورده بودم. دیگر تحملم به سر رسیده بود. تنها راهی که می‌توانستم شکنجه‌ها و فشارهای روانی را به حداقل برسانم این بود که با تمام وجود خدا را صدا بزنم (پایی که جا ماند/ ۸۱).

- شعر و ادب

در مشاعره علی اصغر و سید محمد شفاعت منش کم نمی آوردند. مشاعره آنها ساعتها طول می کشید. نمی دانم این همه شعر را کی حفظ کرده بودند (پایی که جا ماند / ۵۹۳).

- دعا و مناجات اسیران

این در حالی بود که ایرانی ها شب را با دعا و مناجات و تضرع به درگاه خداوند سپری می کردند (عبور از آخرین خاکریز / ۱۲۷).

- همیاری

آنجا حسین هوشمند که از اسرای یزدی بود و بچه ها به او دکتر می گفتند به ما رسیدگی می کرد (در ویلای صدام / ۵۴).

- سازگاری

وضعیت دستشویی داخل آسایشگاه فقط برای ادرار بود و برای کار دیگر بچه ها از جورابهای سیاه سربازی به عنوان توالت استفاده می کردند و صبح آن را بیرون آسایشگاه می شستند (شب موصل / ۱۶۴).

- هنرورزی

تئاتر سالنی اردوگاه خیلی پیشرفته بود. علاوه بر متنوع بودن تئاترها، بچه ها هم حرفه ای بودند. ما بیشتر از بیست تئاتر ناب در آسایشگاه دیدیم (شب موصل / ۲۲۱).

- پایبندی به شعائر دینی

در اسارت اذان گفتن با صدای بلند ممنوع بود. ما در آنجا اذان می گفتیم اما به گونه ای که دشمن نفهمد (حماسه های ناگفته / ۸۲).

ج - علاوه بر باورها و رفتارهای انسانی، که در خاطره نوشته های جنگ بخوبی بازتاب یافته، حالات روحی و عواطف و احساسات معنوی انسانها نیز در این متون به فراوانی قابل دریافت است. آگاهی نسبت به این بخش از درون رزمندگان، بیش از همه با تأمل بر گزاره های مبتنی بر حدیث نفس گویی و واگویه های^(۱۳) راویان ممکن خواهد بود؛ چرا که واگویه و حدیث نفس از شفافترین و از نقاط قوت خاطره نوشته ها به شمار می رود که به دلیل صفای باطنی رزمندگان به فراوانی در خاطرات انعکاس یافته است. نمونه زیر تنها شاهدهی از وجود هزاران عبارت مشابه از این دست متون است:

- در گوشه‌ای به دیوار تکیه می‌دهم. نگاهم را می‌دوزم به اتوبوس‌ها. هر کس که پیاده می‌شود در آغوش چند نفر فرو می‌رود. عده‌ای در گوشه دیگر سر به دیوار گذاشته‌اند. همه می‌دانند این آخرین بازگشت است. دیگر چشمی آمدن بسیجی‌ها از عملیات را نخواهد دید. دیگر کسی چهره خسته بسیجی‌ها را نخواهد دید. دیگر کسی انتظار پیاده شدن دوستی از اتوبوس را نخواهد کشید. دیگر کسی لبخند شادی را بعد از دیدن دوست نخواهد دید... غم فضا را می‌گیرد. دیگر گرما هیچ کس را اذیت نمی‌کند؛ هبوطی است دیگر. آرام همه پا بر خاک می‌گذارند. چه سخت است ماندن. چه سخت است این تبعید. تبعید به این دنیای خاکی. همه چیز را برای آخرین بار می‌بینم (روزهای آخر/۱۸۴).

د - هرچند به صورت پراکنده و در لایه‌های مختلف غالب نوشته‌ها، جز کسانی که به صورت مستقیم در جبهه‌ها با دشمن مبارزه می‌کنند از نقش افرادی مختلف نظیر اقشاری که در کسوت غیر رزمنده در میدان رزم حضور دارند و نیز زنان و فرزندان رزمندگان و اهالی شهرها و روستاها که به نوعی در این نبرد سهیم هستند، یاد می‌شود، توجه به این نکته لازم است که بیان خاطرات هر یک از این اقشار و طبقات مختلف با نقشهای متعدد به طور ویژه، می‌تواند در تبیین بعد خاصی از جنگ مؤثر واقع شود؛ به عنوان نمونه می‌توان به زنانی اشاره کرد که در آثار مردان جنگ بدانها توجه می‌شود یا خود قلم به دست می‌گیرند و به بیان خاطرات خویش می‌پردازند. دو شاهد زیر، نمونه‌هایی برای این هر دو صورت است:

- پس از اینکه خانواده ما به فرمان امام آبادان را ترک کردند ما خانه‌ای نداشتیم. سالی را به ما داده بودند که کف زمین آن، یک زیلو انداخته بودند. نه رختخوابی داشتیم و نه زیرانداز و رواندازی برای استراحت شب. تشک ما همان زیلو بود و بالشمان لباسهایمان که زیر سرمان می‌گذاشتیم (مستوران روایت فتح/۷۳)؛ (از خاطرات خانم اعظم نامداری‌پور).

- وقتی دیدم که نمی‌توانم مانند همسرم به خط مقدم بروم و با دشمن مزدور بجنگم، تصمیم گرفتم به ستاد بیایم و به اسلام خدمت کنم. من خیاطی و لکه‌گیری لباسها را انجام می‌دادم و هیچ‌گاه از کار خسته نمی‌شدم (سربازان مشکی/۵۷)؛ (از خاطرات همسر شهید نوش آبادی).

ه - چنانکه پیداست دستیابی به انسانشناسی جنگ از میان محتوای خاطره‌نگاشته‌ها، بسته به گستره، میزان و چگونگی روایت صاحبان خاطره متفاوت خواهد بود؛ برای مثال زاویه دید و اطلاعات رزمندگان ایرانی از انسانهای جبهه مقابل، تا وقتی تنها در خاکریزهای خودی به مبارزه

مشغول بوده‌اند، محدود است؛ اما به طور طبیعی، همین توجه در میان انبوه خاطرات افرادی که به اسارت عراق درآمده‌اند به فراوانی یافت می‌شود:

- می‌دانستم ماجد اذیتم می‌کند. از بس عصبانی بود چند فحش خواهر و مادر نثارم کرد و با لگد به عصایم زد (پایی که جا ماند / ۶۲).

- خلاصه آنکه چندین سال این مجاهد عراقی در اردوگاه بود و بعضی‌ها نتوانستند او را شناسایی کنند (پرواز در قفس / ۷۸).

در اینجا لازم است به وجود تعداد قابل توجهی از خاطرات مکتوب که از زبان یا به قلم جبهه متخاصم نوشته شده، اشاره کرده و از ضرورت توجه به آنها از حیث تکمیل نگاه تاریخی و فرهنگی به این مقوله یاد کرد. برای نمونه می‌توان به خاطرات اسیر عراقی، احمد عبدالرحمن در عبور از آخرین خاکریز اشاره کرد. او که به عنوان پزشک در جنگ حضور داشت و سرانجام در ماه می ۱۹۸۲ به اسارت نیروهای ایرانی در آمد، در اثر خود به نکاتی قابل تأمل از نحوه آغاز و ادامه جنگ هشت ساله و فرهنگ دفاعی ایرانیان پرداخته است. مثلاً درباره حالات معنوی رزمندگان ایرانی چنین می‌گوید:

- ایرانی‌ها شب را با دعا و مناجات و تضرع به درگاه خداوند سپری می‌کردند (عبور از آخرین

خاکریز: ۱۲۷)

و - تحلیل رخدادها و تحولات فرهنگی بویژه در حوزه انسانشناسی، که به شناخت زوایای انسانی و ظرایف تربیتی او نیازمند است، بهره‌مندی محقق تاریخ‌شناس را نسبت به پیش‌آگاهی‌هایی درباره زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی انسانها می‌طلبد. خوشبختانه این مهم بویژه در آثاری که اخیراً به ثبت رسیده و به نشر درآمده، مورد توجه قرار گرفته است به طوری که حجم قابل توجهی از کتابهای خاطرات اخیر به بیان و شرح اوضاع و وضعیت اجتماعی، باورها، ارزشها و رفتارهای جامعه و خانواده‌ای می‌پردازد که صاحب‌خاطره در آن متولد و تربیت شده است تا جایی که راوی در برخی از آثار نظیر «گوهر»، گستره بیان زمینه‌های تربیتی خانواده خود را به یک نسل پیش می‌کشاند؛ برای نمونه، حجم قابل توجهی از این اثر، که به شیوه خاطره - داستان و با محوریت ذکر احوالات مادر راوی (گوهر) نوشته شده به بیان اوضاع زمانی و مکانی و بافت اجتماعی و تربیتی خانواده و اجتماع محل تولد و رشد مادر و پدر او از سالهای پیش از انقلاب اسلامی اختصاص یافته است.

ز - حضور طیف چشمگیری از انسانهای جنگ از حیث تعلق به اقلیمها و فرهنگهای مختلف، بروز تنوع عناصر و مظاهر فرهنگی را موجب شده است. بررسی میزان، چگونگی و تأثیر بروز ناهمگونیهای مختلف در این حوزه ادبی و تاریخی، که از زبان و اصطلاحات تا آیینها و باورهای عامه را در بر گرفته و از وجوه مختلف نظیر زبانشناسی و مردم‌شناسی این مکتوبات را غنا بخشیده است، می‌تواند موضوع صدها پژوهش جداگانه قرار گیرد. شاید در اینجا تنها بیان چند گزاره به نشان‌مشتی از خروار به شمار آید:

- ما معمولاً توی خانه‌مان تراش هم نداشتیم و با کارد و چاقو و تیغ، قلم‌مان را سر می‌کردیم (جعفری‌نسب اشکذری، ۱۳۹۰: ۸۶).

- وی و وارث به هوا رفت (گوهر / ۲۹۸) [وی و وار = داد و فریاد]

نتیجه‌گیری

خاطره‌نگاشته‌ها در همه انواع و شکلهای خود اعم از یادداشتهای، گزارشهای روزانه، سفرنامه‌ها، زندگینامه‌ها و... اطلاعات فراوانی در حوزه فرهنگ عامه در بردارد که در تکمیل و تقویت تاریخ‌نگاری عامه در مقابل تاریخ‌نگاری حرفه‌ای، مؤثر واقع می‌شود و از منابع مهم رویکرد فرهنگی رخدادهای تاریخی به شمار می‌آید.

به این دلیل که جانمایه دفاع ایرانیان در برابر حمله ارتش بعث عراق از پشتوانه اندیشه و باورهای عمیق دینی و آرمانهای گسترده انقلابی برخوردار بود و نیز غالب انسانهای جنگ از میان عامه مردم با فرهنگهای گوناگون در میدان رزم حضور یافتند، طبقه‌بندی و مطالعه دقیق انبوه خاطره‌نویسته‌های جنگ تحمیلی در کتابها و تک‌نگاشتهای فراوان موجود و تحلیل عمیق بینش، منش و کنش راویان آنها، می‌تواند در جهت انسانشناسی و جامعه‌شناسی جنگ تحمیلی سودمند واقع شود به طوری که می‌توان ادعا کرد هیچ منبع دیگری جز خاطرات انسانها، نمی‌تواند به گستردگی و عمق آنها، جامعه‌شناسی و انسانشناسی عمومی جنگ را در راستای معنایابی فرهنگ انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی برای آیندگان به تصویر کشد.

در روایت رخدادهای جنگ تحمیلی در طول بیش از سه دهه گذشته، می‌توان از وجود دو جریان نظامی‌محور و فرهنگ‌محور سخن گفت که در بین آنها، جریان دوم، که از سوی تعداد

زیادی از رزمندگان، فرماندهان و حتی زنان و مردانی که از نزدیک در صحنه نبرد حضور نداشته‌اند به بیان و نگارش درآمده، بویژه آثار متأخر از حیث در برداشتن اطلاعات مفصل و جزئی ناظر بر مسائل انسانشناسی و جامعه‌شناسی جنگ از اهمیت بیشتری برخوردار است.

یادداشتها

- ۱ - برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخ فرهنگی، رک. مقاله «تاریخ فرهنگی چیست؟» در تاریخ فرهنگی ایران مدرن، ص ۳۹ تا ۶۱؛ نیز این نوشتار در مقدمه تاریخ فرهنگی چیست؟ منتشر شده است. هم‌چنین رک. پیشگفتار خاطره و گفتمان جنگ، به قلم فرانک جمشیدی، ص ۹ تا ۲۸.
- ۲ - (annal) مکتبی در تاریخ نویسی است که بویژه در فرانسه و سپس در برخی کشورهای دیگر در بررسیهای تاریخی مؤثر واقع شد. تأکید این مکتب بر استفاده از روشهای علوم اجتماعی و جنبه‌های جامعه‌شناختی نسبت به جنبه‌های سیاسی، نظامی و دیپلماتیک است. برای اطلاعات بیشتر در این باره، رک. استویانویچ، برایان. روشی تاریخی به نام پارادایم آنال. برایان استویانویچ. ترجمه نسرين جهانگرد. تهران: نشر فضا. ۱۳۸۶.
- ۳ - نگاه کنید به: مجموعه مقالات همایش روش‌شناسی مطالعات تاریخی و رهیافت‌های بین رشته‌ای. به اهتمام جمعی از نویسندگان و گروه روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری پژوهشکده تاریخ اسلام. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام. ۱۳۹۵.
- ۴ - در اینجا تفاوت‌های صورتهای گوناگون خاطره‌نگاشته‌ها اعم از خاطره، گزارش، یادداشتهای روزانه و غیره مدنظر نیست. هم‌چنین منظور از خاطرات در این نوشتار، صورت مکتوب آن است.
- ۵ - برخی انتظارات و دستاوردهای مترتب بر چنین رویکردی در مطالعات آثار جنگ در گفتار پنجم و مؤخره از کتاب دیدگاه: پنج گفتار در باب تاریخ فرهنگی، با نگاهی به جنگ ایران و عراق (ص ۳۳۹ تا ۳۴۲) به قلم علی رجبلو آمده است.
- ۶ - برای اطلاعات بیشتر در این باره رک. مقالات خاطره و گفتمان جنگ که به همت فرهاد ساسانی گردآوری شده است. این کتاب، که از هفت نوشتار در این موضوع برگرفته از کتاب جنگ و یادبود در سده بیستم انتشارات کمبریج در سال ۱۹۹۹ درباره اهمیت خاطره و یادبود در مطالعات تاریخ انسانی و فرهنگ فراهم شده است با مقدمه گردآورنده و پیشگفتار فرانک جمشیدی منتشر شده است.
- ۷ - درباره خاطره‌نویسی ایرانیان در عصر قاجار، رک. فراگتر، برت گ. خاطرات نویسی ایرانیان. ترجمه مجید جلیلود رضایی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۷۷؛ هم‌چنین درباره تاریخ خاطره‌نویسی در ایران. رک. کمری، علیرضا، با یاد خاطره. چ دوم، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر. ۱۳۸۹ که در فصل اول و دوم آن به ترتیب به سابقه خاطره‌نویسی ایرانیان در دوره باستان و فارسی میانه، پرداخته شده است؛ هم‌چنین در این باره، رک. دهقان، احمد. خاک و خاطره. تهران: صریر. ۱۳۸۶. ص ۲۱ تا ۵۴.

- ۸- درباره سیر تحول گفتمان حافظه در ایران، رک. فاضلی، ۱۳۹۳: ۹۵ تا ۹۹.
- ۹- به عنوان نمونه می‌توان به گزاره‌های ذیل به عنوان شواهدی بر این مدعا اشاره کرد:
- صدام در سپتامبر سال ۱۹۸۰ یادداشتی برای دولت ایران نوشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر از نظر بغداد معتبر نیست (پایی که جا ماند/ ۶۵۲).
- من و عباس یگانه نوی پادگان می‌چرخیدیم که خبردار شدیم بعد از یک سال که گردان کمیل منحل شده بود دوباره تشکیل خواهد شد (زنده باد کمیل/ ۱۱).
- گردان دوم تیپ ما که در ضل راست تنگه موخره استقرار یافته بود به کرات درخواست می‌کرد که گروهان تابع این گردان تحت فرماندهی ما انجام وظیفه کند (عبور از آخرین خاکریز/ ۱۵۸).
- همه مشغول تعمیر سیستم برقی بودند که طناب نردبانی را به دریا انداختیم. قرار شد یک نفر با تجهیزات از طناب پایین برود و دیگری طناب را به عرشه کششیده و سپس به دریا شیرجه برود (رمز و راز جنگ/ ۱۲۱).
- ۱۰- در برخی مقالات دیدگاه: پنج گفتار در باب تاریخ فرهنگی با نگاهی به جنگ ایران و عراق مطالب ارزشمندی در این باره دیده می‌شود. بویژه رک. بخش دوم، گفتار چهارم: مصاحبه حضوری فرانک با نعمت‌الله فاضلی (چیستی تاریخ فرهنگی). «کاربست رویکرد تاریخ فرهنگی در مطالعه جنگ ایران و عراق» و نیز بخش دوم گفتار سوم: مصاحبه دکتر علی رجبلو با دکتر ناصر فکوهی (چرخش به سوی انسان شناسی؛ مدخلی بر تاریخ فرهنگی) «رویکرد فرهنگی و قابلیت‌های آن در تحلیل تغییرات پدیدآمده در جامعه پسا جنگ ایران».
- ۱۱- درباره سیر خاطره‌نویسی جنگ و تأسیس دفتر ادبیات و هنر مقاومت، رک. یاد مانا، مقاله «راز و رمز خاطرات جنگ و عرصه نوین خاطره‌نویسی»، ص ۸۰ تا ۱۰۰؛ نیز رک. دهقان، احمد. خاک و خاطره. تهران: صریر. ۱۳۸۶. فصل سوم «نهضت خاطره نویسی جنگ»، ص ۵۵ تا ۸۰.
- ۱۲- تقابل معنادار و نقش موازی اما کامل کننده این دو جریان در تاریخ‌نگاری جنگ در مقاله «گفتگو درباره خاطره‌گویی به مثابه گونه‌ای از روایت جنگ در دفتر ادبیات و هنر مقاومت با مرتضی سرهنگی و هدایت‌الله بهبودی»، که توسط محمد درودی انجام شده بخوبی قابل درک است. رک. تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق. ص ۳۹۰ تا ۴۲۰. هم‌چنین این گفتگو در فصلنامه نگین ایران. ش ۲۲ (پاییز ۸۶) با عنوان «خاطره‌گویی گونه‌ای از روایت جنگ» منتشر شده است.
- ۱۳- به معنای «بازگفتن سخن شنیده» و با خویشتن سخن گفتن است؛ لغت‌نامه دهخدا.

منابع

- آغازی، عبدالرحمان (۱۳۸۹). پرواز در قفس. قم: نشر هدی.
- اصغریان جدی، احمد (۱۳۷۸). رمز و راز جنگ. همکار ابوالقاسم فراست. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- بخشی، ذبیح‌الله (۱۳۹۰). حاجی بخشی: خاطرات شفاهی ذبیح‌الله بخشی. مصاحبه و تدوین محسن مطلق. تهران: عماد فردا.
- برک، پیتر (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگی چیست؟. ترجمه نعمت‌اله فاضلی و مرتضی قلیچ. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- جعفری‌نسب اشکذری، مهدی (۱۳۹۰). گوهر. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- حسینی‌پور، سید ناصر (۱۳۹۱). پای که جا ماند؛ یادداشت‌های روزانه سید ناصر حسینی‌پور از زندان‌های مخفی عراق. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- دهقان، احمد (۱۳۸۵). روزهای آخر. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- زرکی، مرضیه (۱۳۹۰). سربازان مشکی: خاطراتی از زنان رزمنده خوزستانی در سال‌های دفاع مقدس. تهران: نیلوفران.
- رجبلو، علی؛ جمشیدی، فرانک (۱۳۹۲). دیدگاه: پنج گفتار در باب تاریخ فرهنگی با نگاهی به جنگ ایران و عراق. [تهیه‌کننده] دفتر ادبیات و هنر مقاومت. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۷). خاطره و گفتمان جنگ. مقالاتی از امانوئل سیوان... [و دیگران]؛ به اهتمام فرهاد ساسانی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- عبدالرحمن، احمد (۱۳۸۵). عبور از آخرین خاکریز: (خاطرات اسیرعراقی دکتر احمد عبدالرحمن). ترجمه محمد حسین زوار کعبه. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). تاریخ فرهنگی ایران مدرن: گفتارهایی در زمینه تحولات گفتمانی ایران امروز از منظر مطالعات فرهنگی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). فرهنگ خاطره‌ساز، خاطره‌های فرهنگ ساز. نمایه تهران. ش ۴.
- قاسمی امین، طاهره (۱۳۹۳). مستوران روایت فتح: معرفی نمونه‌هایی از زنان سلحشور هشت سال دفاع مقدس. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری براتا، انتشارات آرمان براتا.
- کمری، علیرضا (۱۳۸۸). یاد مانا: پنج مقاله درباره خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌های جنگ و جبهه/ دفاع مقدس. ج ۲. تهران: انتشارات سوره مهر.
- کمری، علیرضا (۱۳۸۷). تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق (مجموعه مقالات). به اهتمام علیرضا کمری. [برای] مرکز اسناد دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ). تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد دفاع مقدس.
- مطلق، محسن (۱۳۷۰). زنده باد کمیل. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.

منصف، محمد حسین (۱۳۸۸). شب موصل: خاطرات اسیر آزاد شده محمد حسین منصف. گفت‌وگو و تدوین حسن شیردل. [برای] دفتر ادبیات و هنر مقاومت، حوزه هنری، [سازمان تبلیغات اسلامی]. ج ۳. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

